

بررسی مباهله و دلایل ذکر نشدن آن در منابع مسیحی

پافشاری بر تمایز، انکار پیامبر و تردید در باورها



مهراب
صادق نیا
استادیار دانشگاه
ادیان و مذاهب

مباهله پیش از آن که در اسلام بیاید، در سنت عرب های آن زمان به عنوان آخرین راه برای گفت و گو به ویژه میان افراد خدا باور وجود داشته است. در قرآن کریم نیز در گفت و گوی میان پیامبر اکرم و گروهی از مسیحیان، این مباهله اتفاق افتاد؛ چرا که مسیحیان مشترکات اعتقادی بسیاری به خصوص در مسأله توحید میان خودشان و مسلمانان احساس می کردند. البته در قرآن یک دسته نقد هایی به باورداشت های مسیحی مانند تثلیث و اعتقاد به خداوندی عیسی نبی؛ وارد شده بود اما در عین حال رابطه میان مسلمانان و مسیحیان تا اندازه ای بدون چالش و نزاع بود.

هنگامی که مسیحیان در برابر دعوت پیامبر قانع نشدند، مباهله آخرین راه اثبات حقانیت پیامبر بود که باید اتفاق می افتاد و در قرآن کریم نیز روایت شده است. پیامبر اکرم با خاندان طاهرینش در این مباهله شرکت کردند و تقریباً یک مناظره اعتقادی شکل گرفت اما مناظره مبتنی بر دلیل و برهان منطقی نبود بلکه استدلال ها مبتنی بر ادله خدا پرستانه بود، به این شکل که هر کدام از یک گروه در ادعای خود صادق نباشد، از سوی خدا به بلا گرفتار شود. امری که در این میان بسیار عجیب است، این است که ماجرا در سنت مسیحی روایت نشده و مسیحیان اشاره ای به این ماجرا نداشته اند.

البته منکر آن نیز نیستند و این گونه نیست که گفته باشند به طور کل، این گفت و گو میان پیامبر اسلام و راهبان مسیحی در تاریخ اسلام رخ نداده است، منتهی اشاره ای نیز به اصل واقعه نداشتند. از این جالب توجه ترین که اساسا مباهله به عنوان یک سنت مناظره در منابع مسیحی نقل نشده و در سایر موارد به جز مباهله با پیامبر نیز وارد نشده است و نه به عنوان یک رویه مناظره میان ادیان و مذاهب و نه به عنوان یک اتفاق تاریخی؛ مباهله روایت نشده است. البته منابعی که اکنون در دست است، جزئیات گفت و گوها و مناظره های مسیحیان میان مسلمانان در زمان خلفای اموی و عباسی و نامه هایی که در آن زمان میان مسیحیان و مسلمانان رد و بدل می شد؛ روایت شده است.

ترس از مباهله

ماجرای مباهله در منابع مسیحی روایت نشده است. این روایت نشدن مباهله از سوی مسیحیان دلایل مختلفی می تواند داشته باشد. می تواند یک حذف عمدی باشد و تمعداً این ماجرا از سوی مسیحیان روایت نشده چرا که ماجرای مباهله و تن دادن بزرگان مسیحیت نجران، برای مسیحیان شکست بزرگی به شمار می آید.

زیرا اگر بزرگان کلیسای نجران مانند پیامبر به باورداشت های خودشان راسخ می بودند، قاعدتاً باید به این مبارزه تن می دادند و بدون ترس مباهله می کردند. اما همین که حاضر به مباهله نشدند، نشان می دهد تردید هایی در اعتقاداتشان داشتند.

به هر حال مباهله برای کشیشان مسیحی، قماری بود بر سر یک سنت دینی که آنها آورنده آن نبودند و در آنجا باید از آن سنت نیز دفاع می کردند. نیامدن پای مباهله نشان دهنده تردید بود و دقیقاً به دلیل همین تردید در سنت ها هم می توان یکی دیگر از دلایل ذکر نشدن مباهله در منابع تاریخی سنت مسیحیت را حدس زد تا این تشکیک و تردید افشان شود.

اثبات حقانیت اسلام

همچنین حضور نیافتن کشیشان مسیحی، نتیجه آن حقانیت پیامبر بود. چه مباهله انجام می شد و چه حالا که ترک شد و مسیحیان حضور نیافتند؛ نتیجه آن یکی است و آن، اثبات حقانیت اسلام است. اگر این مباهله ذکر می شد، معنایش دقیقاً همین حقانیت اسلام و برحق نبودن سنت مسیحیت بود؛ چرا که اگر در منابع

می آمد دقیقاً همان معنایی رسانده می شد که اگر مباهله انجام می شد. قرآن کریم وقتی نازل شد و اسلام آمد؛ پیامبر در گام نخست سعی داشت تا یهودیان و مسیحیان شبه جزیره را با خود همراه کند و قرآن کریم با ادبیاتی نازل شد که برای مسیحیان و یهودیان آشنا بود. اسلام سعی داشت به آنها بفهماند فاصله میان اسلام، مسیحیت و یهودیت کم است و اگر اختلافی اکنون وجود دارد دلیل آن دینداران هستند و نه اصل این سه دین. چرا که قرآن کریم مومنان را کسانی معرفی می کند که به پیامبران و کتب قبل از اسلام نیز ایمان دارند و اسلام وجه کامل شده مسیحیت و یهودیت است همچنین ما یک دین پیشتر نداریم و آن هم اسلام است. اسلام و قرآن در تلاش بود تا این مفاهیم را به یهودیان و مسیحیان القا کند که در این مسیر، مسیحیان همراهی و همدلی بیشتری با مسلمانان داشتند و گفت و گو و مناظراتی میان پیروان این دودین بود اما این مناظره ها شبیه مناظره هایی بود که مسلمانان با خودشان داشتند یعنی فاصله حقیقت در مباحث کم بود. برای همین مباهله یگانه راهی بود که می توانست اتفاق بیفتد و این دو گروه دین دار یعنی مسیحیان و مسلمانان به وجهی از حقانیت برسند. با این اوصاف هنگامی که مسیحیان از انجام آن شانه خالی کردند، این امر را نشان داد که از آن تاریخ به بعد، مسیحیان وارد یک مواجهه سخت تر با اسلام و مسلمانان شدند. پس از آن، سعی کردند اسلام را انکار کنند، پیامبر و قرآن را نپذیرند و بر تمایزشان با مسلمانان پافشاری کنند. قاعدتاً حذف مباهله یا ذکر نکردن آن در منابع مسیحی، به پافشاری و پررنگ کردن تمایز میان اعتقادات مسلمانان و مسیحیان بازمی گردد.

شک در باورها

مسیحیان وقتی صداقت پیامبر را دیدند، شک کردند. در مباهله دو دسته اعتقادی در تحدی بودند و یک طرف ماجرا پیامبر بود و طرف دیگر بزرگان کلیسای نجران. در یک طرف، چنان به اعتقادات خودشان ایمان داشتند که نزدیک ترین افراد خود را پای مباهله آوردند. یعنی خود پیامبر و اهل بیت. در طرف دیگر اما افراد متکثری بودند که حتی بنیانگذار دین مسیحیت نبودند، بلکه مفسران سنت مسیحیت در روزگارشان بودند. به همین دلیل آن جزمیت و اعتماد به عقاید در مسیحیان وجود ندارد و بر همین اساس به این مباهله تن نمی دهند. طبیعی است اگر مفسران همواره به اندازه آورندگان یک دین، ایمان و باور نداشته باشند، همواره گرفتار شک و تردید خواهند شد و احساس می کنند نکند فهم خودشان یا افرادی که باورهای سنت مسیحی بر اساس تفسیر آنها شکل گرفته، نادرست باشد.